

هر پیامبر برای قوم خودش

سخنی از پیش:

اگر در قرآن جستجو کنیم، ده ها آیت را می یابیم که در آن یاد شده است که الله برای هر قومی¹ حتی هر دهکده بی² پیامبری از میان خود آن قوم یا آن دهکده فرستاده است تا آنان را به راه راست هدایت کند. یعنی هیچ قوم، هیچ قریه و هیچ امتی نیست که الله برای هدایت آنان رسولی از میان خود شان و به زبان خود شان نفرستاده باشد. به عبارت دیگر، مطابق به آیات زیر الله رسولی را از یک قوم برای قوم دیگر نمی فرستد.

این کلام الله را شما در آیت های زیر میخوانید. البته دهها آیه دیگر نیز درین باره در قرآن هست که من به خاطر دراز نشدن نوشته نمی آورم و تنها به همین بس می کنم.

من فکر می کنم که به خاطر دانستن قرآن برای هر مسلمان لازم است که خودش قرآن را به زبان خود بخواند تا بداند که در آن چه نوشته شده است. هیچگاه به سخنان ملا، آخذ، مولوی، مفتی، رهبر دینی و غیره اعتماد نباید کرد، زیرا آنان بیطرف نیستند. قرآن یگانه منبعی است که باید به آن اتکا کرد و از کم و کاست آن نباید ترسید. از سوی دیگر، آیات قرآن نیز براساسی مومنان را به گونه مستقیم مخاطب قرار داده است، مانند (یا ایها المؤمنون!) یعنی ای مومنان، نه اینکه ای ملاها، ای آخذها، ای مولوی ها، ای مفتی ها و ای رهبران دینی. قرآن به زبان بسیار ساده و فهما برای مردم ساده چوپان و کوچی آن زمان عربستان آمده است. ترجمه آن نیز فهمیده می شود.

البته ملاها و رهبران دینی به خاطر منفعت های دنیایی خود می گویند که به فارسی نخوانید زیرا کلمه های عربی معنای دیگر دارند که تنها ملا می داند! آنان می دانند که فارسی زبانها عربی نمی دانند. حال اینکه مترجمان قرآن نیز همین ملاها اند. از سوی دیگر لازم است که ترجمه قرآن را به زبان خویش با معنای واژه به واژه باید خواند نه با تفسیر و تاویل این ملاها. زیرا مفسران به نام تفسیر معنای قرآن را و آنچه الله گفته تغییر میدهند و نا جوانمردانه کلام الله را دستکاری می کنند تا مردم پسند شود. مثال های فراوان را می توان از دستکاری اینان در قرآن یافت. اما هر قدر به تفسیرهای قدیمی تر بنگریم می بینیم که دستکار کمتر است.

اصل موضوع

حالا می رسیم به این موضوع که درین آیات درباره پیامبری پیامبر اسلام چه گفته شده است؟

¹ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أُجْرَمُوا وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ).

ترجمه:

و در حقیقت ، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم ، پس دلایل آشکار برایشان آوردند ، و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم ، و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است.

²

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَلَّا تَعْتَلُونَ 109

ترجمه:

پیش از تو نفرستاده ایم مگر مردانی از اهل دهکده ها را که به آنها وحی می کرده ایم چرا در این سرزمین نمی گردند تا بنگرند سرانجام کسانی که پیش از آنان بوده اند ، چسان بوده است؟ و ، سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده اند بهتر است ، چرا تعقل نمی کنند؟

ابراهیم آیه، آیه ۴

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
ترجمه ۳: ما هیچ پیامبری را ، جز به زبان قومش ، نفرستادیم تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد سپس خدا هر کس را بخواهد گمراه ، و هر کس را بخواهد هدایت می کند و او توانا و حکیم است.

سوره یونس، آیه ۴۷

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

ترجمه: برای هر امتی، رسولی است هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود و ستمی به آنها نخواهد شد.

سوره النحل، آیه ۳۶

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

ترجمه: و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید، پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد، اکنون در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنان که (انبیاء را) تکذیب کردند به کجا رسید (و آنها چگونه هلاک ابدی شدند).

درینجا بسیار آشکار بیان شده است که ما هیچ پیامبری را برای یک قوم روان نمی کنیم مگر اینکه او به زبان قومش سخن بگوید. بس واضح است که پیامبر اسلام برای قومش و به زبان قومش که همانا عرب و عربی است فرستاده شده است. او پیامبر عجم نیست.

در سوره یونس و سوره نحل باز هم همین مضمون را به شیوه دیگر تکرار می شود که مفهوم اش این است که برای هر امتی رسولی از میان خودشان روان می کنیم.

ولی ما از خواندن تاریخ میدانیم که مردمان غیر عرب، در آغاز، به زور شمشیر مسلمان شده اند، حال اینکه نظر به این آیات محمد بن عبدالله را الله به پیامبری عجمیان فرستاده است. او را تنها برای مردم عرب فرستاده شده است.

سوره الزخرف، آیه ۳

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾

ترجمه: همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که در آن تعقل کنید.

سوره یوسف، آیه ۲

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ترجمه: همانا ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیانندیشید.

سوره طه، آیه ۱۱۳

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا

ترجمه: و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و اندازها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند یا برای آنان تذکری پدید آورد.

سوره رعد، آیه ۳۷

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ

ترجمه: ما این چنین قرآن را قانونی به زبان عرب نازل کردیم، اگر با وجود این دانشی که به سوی تو آمده، هوسهای آنها را پیروی کنی، در قبال خدا دوست و نگهداری نخواهی داشت.

سوره انعام، آیه ۹۲

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا ...

ترجمه: و این کتاب مبارک را که تصدیق کننده کتب پیشین است نازل کردیم تا اهالی ام القری (ده مادر، ده بزرگ که همانا مکه است) و اطراف آن را هشدار دهی.

سوره شوری، آیه ۷ :

وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ نُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ 7

ترجمه: و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا مردم (أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا) مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روز گردآمن (خلق) که تردیدی در آن نیست، بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش.

سوره سجده، آیه ۳ :

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ.

ترجمه: آیا می‌گویند: «آن را برافته است»؟! [نه چنین است] بلکه آن حقّ و از جانب پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی، امید که راه یابند

درین چهار آیه واضحتر بیان شده است که آن قرآن به زبان عربی فصیح فرورستاده شده است تا عرب‌ها بیاندیشند و تقوا پیشه کنند. باز هم به زبان عربی و باز هم برای عرب‌ها.

درین آیت‌ها حتا از نگاه مکانی روشن است که قرآن برای مردم ساکن در کدام جا و مکان فرستاده شده است و آن مردم مکه و سرزمین پیرامون آن است که ما اکنون آن را جزیره نمای عربستان می‌نامیم. حتا در سوره سجده می‌گوید: بلکه آن حقّ و از جانب پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی، امید که راه یابند. عرب‌ها، بر خلاف یهود و نصارا هوشداردهنده یا پیامبری نداشتند.

ولی تاریخ گواه است که سرزمین ما پیامبر داشته است و آن زردشت پیامبر است که چند هزار سال پیش آیین یکتاپرستی را به سرزمین ما آورده بود. باید بگوییم که من بدین وسیله دین زردشت را تبلیغ نمی‌کنم. شما می‌توانید آیت‌های قرآن را بخوانید.

تا کی به کشتار هموطنان خود به نام اسلام ادامه می‌دهید. تا چه وقت وطن ویرانه خویش را ویران تر می‌کنید. چه وقت دست از کشتار و بی‌رحمی بر نمی‌دارید.

سوره فصلت آیه ۴۴

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ

ترجمه: و اگر (این کتاب را) قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعاً می‌گفتند: «چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان؟» بگو: «این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سنگینی است و قرآن بر ایشان نامفهوم است، و [گوی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند.

سوره شعرا آیه ۱۹۸ و ۱۹۹

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

ترجمه: هر گاه ما آن را بر بعضی از عجم [غیر عرب] ها نازل می‌کردیم. پس او آن را برایشان می‌خواند، عرب‌ها به آن ایمان نمی‌آوردند.

درینجا می‌گوید اگر قرآن غیر عربی می‌بود، قطعاً ایمان نمی‌آوردید و می‌گفتید چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیر عربی اما برای عربی زبان‌ها و همچنان اینکه هر گاه ما آن را بر بعضی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم، عرب‌ها به آن ایمان نمی‌آوردند.

از روی منطق این دو آیه، این نتیجه به دست می‌آید که غیر عرب‌ها نیز همین سخن را می‌توانند بگویند: وقتی که کتاب به زبان عربی است، ما از او چه میدانیم. عرب‌ها که نمی‌خواهند به کتاب غیر عربی ایمان بیاورند، پس چگونه عجم‌ها به کتاب عربی ایمان بیاورند. ای پشتون، ای تاجیک، ای ازبک و ای فلان و بهمان به معنای این آیت خوب توجه کن. کشتار به نام دین بس است.

یادآوری می‌کنیم که این نوشته برای آگه‌اندیدن است و آزادی دین و آزادی عقیده حق طبیعی انسان است که بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر انسانها در گزینش آن آزادی کامل دارند. اما دین نباید وسیله‌ی برای کشتار تبدیل شود. دین باید و حتمن در حوزه خصوصی انسان جا بگیرد، در غیر آن آزادی دین و عقیده برای دیگران تحقق نخواهد یافت. تا وقتی که دین به حوزه خصوصی تبدیل نشود، ما از شر جهاد و جهادبازی رهایی نخواهیم یافت.

تازه عربستان تصمیم گرفته است که با ایجاد بیش از صد مدرسه، وهابیزم را به جای مذهب حنیفی در کشور ما افغانستان مستقر بسازد. آینده نامعلوم است.

البته فرستادن کسی برای هدایت یک قوم از سوی الله به ذات خود پرسش برانگیز است. پرسش برانگیزتر آن این است که یک قوم از نام الله برای هدایت کردن دیگران دست به شمشیر بزنند. زیرا توانای و دانای ذاتی الله را زیر سوال می‌برد مبنای اینکه الله، گویا، توانای و قدرت هدایت دیگران را به تنهای ندارد و ما بندگان باید به کمک اش بشتابیم.

اگر الله این قدر به هدایت یک قوم و یا یک روستا و سرانجام همه آدمهای روی زمین علاقه مند است، تا آن حد که یک قوم را برای کشتار اقوام دیگر بر می‌انگیزد، پس چرا آن قوم کافر را از اول ناسپاس و نافرمان خلق کرد و یا چرا از قدرت و توانایی اش چنان استفاده نکرد تا آنان هیچگاه گمراه نشوند به جای اینکه یک گروه را برای قتل و کشتار گروه دیگر روان کند تا آنان را به راه راست بیاورند.

این همه بی رحمی و کشتار، زجر کردن ها، شکنجه دادن ها و غیره به خاطر دین، به شأن الله رحمان و رحیم نمی آید.

باید گفت که به اساس آنچه در فوق نوشتم، الله خودش گفته است «و در حقیقت، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم، پس دلایل آشکار برایشان آوردند...» پس این مجاهدان، طالبان، داعشیان، بوکوحرام ها و غیره و غیره همه تنها برای گرفتن قدرت و پرکردن شکم که چیزهای دنیایی است، جنگ می کنند نه برای الله و جزای آخرت. زیرا هیچ دلیلی دیگر بر کشتار دیگران وجود ندارد. باز هم «و در حقیقت، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم، پس دلایل آشکار برایشان آوردند...»، شما که هستید از نام او دست به شمشیر می زنید.

چیزی که ۱۴۰۰ سال پیش جهادگران عرب به سر نیاکان ما در سده های نخست و دوم هجری کردند: کشتار، چپاول، غارت، شکنجه، آزار، کشتن مردان و تجاوز به زنان آن زمان و فروش آنان در بازارهای برده فروشی آن زمان، با تمام بی رحمی های که باخود دارد، به آیات بالا ناسازگار است و هیچ رحمان و رحیمی قبول نمی کند.

چیزی که هم اکنون در سرزمین ما انجام می یابد، عقل و منطق انسان نمی پذیرد و عاطفه بشر بر نمی تابد. تنها انسانهای که وجدان بشری شان گنبدیده و عاطفه انسانی شان مرده است، چنین اعمال را مرتکب می شوند. مردم ما قربانی همان وحشت و کشتار اند. جهادگران به نام جهاد اسلامی هرچه میخواهند انجام می دهند. آرامی و صلح از کشور رفته است. عربستان سعودی بیش از صد مدرسه دینی در افغانستان خواهد ساخت. و بیرحمی دوام خواهد کرد. واضح است که عربستان در افغانستان برای دلسوزی به ما، مدرسه نمی سازد بلکه برای آن می سازد که سهم افغانستان به درآمد سالانه عربستان از حساب حج روندگان آینده تامین گردد.

نتیجه

اما سخن ما درین نوشته مدرسه سازی نیست. سخن ما این است که وقتی که ده ها آیه در قرآن موجود است که الله حتما برای هر قوم و روستا پیامبرانی از میان خود شان فرستاده است، چگونه شد که پیامبری را نازل کرده است که پیروانش میگوید او پیامبر همه بشریت است در حالیکه آیات یادشده خلاف آن را می گویند.

میدانم که کسی پیدا خواهد شد که آیاتی دیگر ذکر کند که چنین نیست، انگاه من مجبور خواهم شد که تناقضاتی قرآنی را یک به یک برشمارم که بیش از حد است. نظر به آیات قرآن، الله تناقض نمی گوید.

درین زمینه این داستان با اهمیت است:

می گویند در یکی از کشورهای اروپایی دومیلمان در شهر با هم جنگیدند: غوغا و فریاد شد، مردم جمع شدند و سرانجام پولیس رسید. پولیس هر دو را گرفت و تحقیق می کرد که گناه کدام یکی شان است؟ هر یکی دیگری را ملامت می کرد. پولیس مجبور شد از حاضران بپرسد که کسی شاهد هست که چیزی بگوید؟ یکی از حاضران گفت بلی من شاهد هستم. او به پرسش پولیس که چگونه جنگ آغاز یافته است، گفت که اینجا من نشسته بودم، یکی از آن سو آمد، آیاتی از قرآن را می خواند و دیگری از این سو آمد و آیاتی از قرآن را خواند، پیدا بود که هریک خود را برحق می دانست و سپس باهم درافتادند و آنقدر همدیگر زدند و جنگیدند تا که شما رسیدید.

این لطیفه یک کتاب بزرگ مفهوم دارد.

اما فکر می کنم بهتر است بکشیم تا این کشور ویرانه را به نام اسلام بیشتر ویران نکنیم و همه تلاش ما این باشد که دین را از سیاست جدا کنیم. این راه دراز است اما این یگانه راه از میان بردن جنگهای دینی

هست. کشورهای جهان همین را برگزیده اند. اما مردم حق صلح و آرامش را باید داشته باشند. زیرا این حق طبیعی و سرشتین مردم یک سر زمین است.

تاریخ 6 سپتمبر 2020